

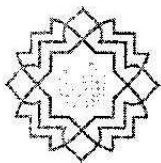
۱۶۴۴۲۴

بسم الله الرحمن الرحيم

نظریه‌شناسی

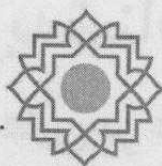
پاداشتهایی بر علم نظریه

گوازی



نشر آکادمیک
ACADEMIC PRESS

سرشناسه : بزرگی، گویا، ۱۳۴۹ -
 عنوان و نام پدیدآور : نظریه‌شناسی: یادداشت‌هایی بر علم نظریه/گویا بزرگی.
 مشخصات نشر : تهران: انتشارات آکادمیک، ۱۳۹۷.
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۹۸-۰۴-۰۴
 رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۷ ۶ ن ۴ ب ۸۴۲ B
 رده‌بندی دیویی : ۱۴۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۵۳۸۵۶۶۰



نشر آکادمیک
 ACADEMIC PRESS

عنوان: نظریه‌شناسی، یادداشت‌هایی بر علم نظریه

تألیف: گویا بزرگی

انتشارات: آکادمیک

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۹۸-۰۴-۰۴

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه - قطع پالتویی

طراح جلد: مجتبی مددی چلیچه

صفحه‌آرا: ابوالقاسم قاسمی

نوبت انتشار و چاپخانه: اول ۱۳۹۷ - تهران / دانشگاه خوارزمی

آدرس: میدان ولیعصر (عج)، کوچه شهامتی پلاک ۲۹ - تلفن: ۲۸۴۲۹۴۸۴

وبسایت: Academicpress.co

پست الکترونیک: Academicpub1@gmail.com

©copyright

فهرست

۵	 مقدمه
---	-------------

فصل ۱: استاتیک نظریه

۱۳	 معماری نظریه
۲۱	 موب، فولوژی نظریه
۲۹	 دگردیسی نظری
۴۱	 بین‌های نظری
۵۷	 داستان / سریه
۷۵	 تکسونومی دیریه
۸۷	 داستان / نظریه‌های اسی و راکولی
۹۷	 آناتومی نظریه
۱۱۱	 زیباشناسی نظریه

فصل ۲: دینامیک نظریه

۱۲۷	 معادلات نظری
۱۴۵	 آزمایش‌های نظری
۱۶۹	 مدل‌های نظری
۱۸۱	 تکنیکی نظری
۱۹۱	 منطق نظریه
۲۱۳	 یادداشت پایانی
۲۱۷	 فهرست واژگان نظری

همه‌ی نظریه‌ها دوست عزیزم
خاکستری‌اند و تنها درخت حیات
است که سبز است (گوته).

مقدمه

نظریه، یکی از عالی‌ترین تجلیات اندیشه‌ی انسانی است و درست آن چیزی که انسان را از دیگر موجودات جدا می‌سازد. زمانی که انسان قدم بر سطح ماه گذاشت، درواقع آن، به واسطه‌ی نظریه بود؛ اما عجیب به نظر می‌رسد، اینکه، بیش‌تر از ۲۰۰۰ سال است که از نظریه سخن گفته می‌شود درحالی‌که هنوز در برابر این پرسش که نظریه چیست؟ چیز زیادی برای گفتن نداریم - اینکه، نظریه واقعاً چیست؟! به‌طور کلی، وقتی درباره‌ی نظریه صحبت می‌کنیم، گویی که آن، با این پیش‌فرض همراه است که اصولاً می‌دانیم داریم درباره‌ی چه چیزی حرف می‌زنیم - یا اینکه آن، باید چگونه چیزی باشد؛ اما آیا واقعاً می‌دانیم؟! نظریه، در بخش انبوهی از علم - و نیز در فلسفه‌ی معاصر، حضور همیشگی دارد. با این وجود، هنوز تصویر روشنی از آن در دسترس نیست؛ اما در خارج از این، داستان نظریه همین است؛ برای نمونه در جامعه‌شناسی: جامعه‌شناسان معاصر دل‌مشغول نظریه بوده‌اند، اما

کمتر کسی سعی کرده روشن کند که نظریه چیست؟^۱ (پ. ن. / پایان نقل قول)^۲ - هامنز^۳. نیز مرتن^۴ در ۱۹۶۸، درباره‌ی نظریه چنین نوشت: همانند واژه‌های بسیاری که درباره‌ی آن‌ها سردرگمی وجود دارد، واژه‌ی نظریه با تهدید بی‌معنا شدن روبه‌روست. از آنجا که مصادیق این واژه بسیار گوناگون‌اند - شامل همه‌چیز می‌شود، از فرضیه‌های پیش‌پاافتاده تا تخیلات فراگیر اما مبهم و پراکنده و نظام‌های آگزیوماتیک تفکر - کاربرد این واژه به جای آنکه معنای قابل فهمی را برساند اغلب باعث ابهام می‌شود (پ. ن.). اکنون بعد از حدود نیم قرن همچنان این اظهار آشنا و امروزی به نظر می‌رسد.^۵ (پ. ن.). در مطالعات ادبی و فرهنگی، وضع به مراتب بدتر است و با وجود این که مرتب از نظریه، دم زده می‌شود، آن، در حد یک معما - معما و نظریه!، باقی می‌ماند. در یک مورد خاص، من می‌توانم به نظریه‌ی ادبی اشاره کنم، برای مثال کتابی از جان اتان کالر که با پرسش نظریه چیست آغاز می‌شود: این روزها در مطالعات ادبی و فرهنگی درباره‌ی نظریه بسیار می‌شنویم... تعجب‌آور اینکه پاسخ دادن به این پرسش بسیار دشوار است... ممکن است آدم با نظریه سروکار داشته باشد؛ ممکن است طریقه را درس بدهد یا مطالعه کند؛ ممکن است از نظریه بدس بیاید یا

^۱ به نقل از: بلیکی نورمن (۱۳۸۴)، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، جاوشیان حسن، تهران: نشر نی

^۲ لازم به توضیح است که همه‌ی نقل قول‌هایی که در کتاب آمده است، پایان نقل قول، با پرانتز

(پ. ن.) نشانه‌گذاری شده است.

^۳ Homans

^۴ Merton

بترسد؛ اما هیچ کدام این ها چندان کمکی به درک چیستی نظریه نمی کند.^۱ (پ. ن.). از سوی دیگر - آن چنان که پیش تر گفتیم، اگرچه نظریه، به ویژه در فلسفه‌ی علم معاصر مورد توجه است اما آن نیز، در برابر این مسئله که خود نظریه چیست؟ تقریباً سکوت اختیار می کند. کافی است به عنوان یک نمونه‌ی موردی به نقش نظریه در کل گرای کوااین اشاره شود، اگرچه نظریه‌ها در بسیاری از نوشته‌های کوااین حضور برجسته‌ای دارند، اما کوااین در برابر این مسئله که نظر چیست؟، طفره می رود؛ نیازی نیست که مشخص کنیم نظریه چیست با چه هنگام باید دو مجموعه جمله را صورت بندی‌هایی از نظریه‌ی یکسان بدانیم؛ می توانیم تنها از خود صورت بندی‌های نظریه سخن بگوییم.^۲ (پ. ن.). در حوزه‌ی فلسفه‌ی علم و در مسئله‌ی نظریه، هیچ کس دیگری همپای پاپیر نیست. زمانی پاپیر از نزدیکی به حقیقت در علم سخن گفته بود، از این نظر او از هر کس دیگری به این وضعیت که نظریه چیست؟ نزدیک بود؛ اما مسئله‌ی اصلی وی، طرح ابطال‌گرایی است که البته در آن، نظریه‌ها نقش کلیدی دارند؛ اما غالباً در رویکردهای فلسفه‌ی علم به مسئله، خود نظریه به دو دلیل عمده، نقظه‌ی کانونی مسئله نیست.^۳ یکی اینکه عمدتاً منحصر به نظریه‌های

^۱ کالر جانائان (۱۳۸۲)، نظریه‌ی ادبی: معرفی بسیار مختصر، طاهری فرزانه، تهران: نشر مرکز

^۲ کوااین ۱۹۸۴، به نقل از: نلسون لین هنکینسون و نلسون جک (۱۳۹۳)، فلسفه‌ی کوااین. درایتی مجتبی، تهران: نشر علم

^۳ و البته پاپیر - در این میان، یک استثنا است.

علمی است تا نظریه در شکل گسترده‌ی آن و دیگری اینکه آن، درباره‌ی نظریه‌ها است و نه نظریه و ماهیت آن. به عبارت دیگر - هرچند در شمای کلی، می‌توان آن را در یک تمایز خلاصه نمود: تمایز نظریه/درباره‌ی نظریه. درواقع، ما در پی نظریه خواهیم بود: نزدیکی به هسته‌ی نظریه - و یک شناخت درونی از ماهیت نظریه. این دقیقاً چیزی است که نوشتار حاضر درباره‌ی آن است؛ بنابراین متن حاضر کالبدشکافی خودِ نظریه است. از این نظر، عدل آن در این نوشتار نظریه‌ی نظریه! (Theory Theory) است؛ به این دلیل که چنان تلاشی شناخت نظریه (Theory) است و جهت درو به این مطالعه، اصطلاح نظریه‌شناسی^۱ (xeology) برگزیده شده است - اصطلاحی که به نظر می‌رسد که قادر است به نحو مطلوبی بخشش را توضیح دهد. به عبارت دیگر، این علم نظریه است که علاوه بر آن، فایده‌ی نظریه^۲ را نیز در خود دارد: یک جهت تازه؛ تعبیر یافته^۳، یعنی است از چیزی که درواقع، پیش‌تر از این مسئله نبوده است؛ یعنی مسئله‌ی نظریه.

^۱ سعی بر این بود که عنصر Theo را به عنوان یک عنصر محوری در بحث نظریه Theory و Theology؛ اما از آنجایی که این، در Theology بخش جافتاده‌ای است و از سوی Theo نیز معادل Theo در زبان اسپانیایی است، از این جهت پیشوند xeo (/ زنو) - با تلفظ نزدیک th به ð و البته با حرف کوچک در ابتدا، برگزیده شده است و به نظر می‌رسد که می‌تواند در اصطلاح xeology منظور ما را برآورده سازد. همچنین پیشوند xeo شاید منظور ما را از تمامی آنچه واژه‌ی «نظر» در زبان فارسی می‌تواند دربر گیرد را برآورده سازد.

^۲ اصطلاحی که درواقع، رویه‌ی دیگری از این میدان (field) نظری تازه را نشان می‌دهد؛ چیزی که شاید قبل از این - البته به شکل مستقل آن، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

به طور کوتاه، می توان گفت که یک نظریه، واحد اندیشه است؛ آن چیزی که از انسان، یک موجود نظری می سازد و در واقع، نظریه مجرای است که از پیوند بین من و دنیای پیرامون من، شناختی کلی به دست می دهد: نظریه کلید نیست، بلکه سوراخ کلیدی است که به واسطه ی آن، قادر به درک بخش کوچکی از آنچه واقعیت نامیده می شود، می باشیم؛ اما داستان نظریه، یک نیمه ی تاریک دیگر هم دارد: مسئله ی /استان! و آنجایی که داستان پردازی، در امتداد فعالیت نظری انسان قرار می گیرد. به عبارت دیگر، داستان به عنوان یک رویه - و شکل دیگر از نظریه! این، یک نگاه دیگرگون به قلمرو نظریه پردازی است و اساساً آنچه قلمرو نظریه می تواند باشد. از چنین مجرای، داستان بنواز از داستان و تمامی صورت های آن چون اسطوره و افسانه در یک متفاوتی به دست داد. این، همچنین ممکن است نوری بر مسئله ی واقعیت و داستان بیفکند و سرانجام نشان دهد که چگونه انسان به وسیله ی تخیل و تفکر جهان نظری خود را شکل می دهد و به واسطه ی رشد نظریه، به کشف و ساخت آنچه واقعیت - دنیای پیرامون خود می نامد، دست پیدا کند. باید اضافه کرد که در این نوشتار اصطلاحات نظری تازه ای به کار رفته است و از اصطلاحاتی رایج - و نیز به لحاظ تاریخی کلاسیک!، چون شباهت، استعاره، تمثیل یا آنالوژی و حتی شهود - و شاید اصطلاحات دیگری نیز، کمتر

مورد استفاده بوده است؛ این بدان معنا نیست که اساساً آن‌ها مفاهیم چندان درستی نیستند، بلکه دست‌کم ترجیح داده نشده‌اند. از طرفی نظر بر این بوده است که تاکنون بیشتر از آنچه در ظرفیت چنین اصطلاحاتی است، آن‌ها را متورم کرده‌ایم تا بلکه بتوان برخی از اندیشه‌های دیگر را در قالب آن گسترش - و البته جا، داد! بنابراین، از اصطلاحات تازه‌ای بهره گرفته‌ایم. در کنار آن، این اظهارنظر را - که امیدوارم اظهار فضل تلقی نگردد، می‌توان در نظر گرفت که *واژدهای تازه، حقیقتاً نشانه‌ی اندیشه‌های تازه* است. اگر چنین باشد، بدون تردید نوشتار به هدف خود رسیده است؛ چیزی که رای‌نگار، نده در حد یک امیدواری است.

کتاب، مجموعه‌ی یادداشت‌هایی است که در این جهت، تهیه و تدوین گردیده است. در پایان، کتابی در مطالعه‌ی نظریه، هیچ ادعایی ندارد جز اینکه، خود در حد یک نظریه باقی بماند؛ این است علم، این است نظریه!

بزرگی - دی ۱۳۶۶